کارنامه زرین (در سوگ دکتر عبدالحسین زرین کوب) (29 اسفند 1301 - بروجرد) (24 شهریور 1378 - تهران)

دهباشی، علی

زنده‏یاد دکتر عبد الحسین زرین‏کوب تعلق به نسلی از دانشوران فرهنگ ایران داشت‏ که مفهوم امروزین و ژرف سنو فرهنگ ایرانی را پرورش دادند و نهال ادبیات فارسی‏ را در گسترهء کلاسیک و جدید آن بارور ساختند.بنابراین دکتر زرین‏کوب بهترین معرف و نمایندهء نهضت نوین فرهنگی ایران بود که با وجود بزرگمردان دیگری همچون علی اکبر دهخدا،بدیع الزمان فروزانفر،محمد قزوینی،عباس اقبال آشتیانی،ملک الشعرای بهار، دکتر محمد معین و...با نگاهی منتقدانه و عالمانه،روی سوی گذشتهء فرهنگی و هنری‏ ایران نموده و گوهر ادب بی‏همتای پارسی را از دسترس ویرانی نجات بخشیدند.نیم‏ قرن پژوهش و تألیف این مرد برجسته و کم‏نظیر در راستای اهداف ژرف وی و دیگر یاران متقدم و متأخرش،شکل‏دهندهء نهایی‏ترین تصور و توصیف عالمانه از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران‏زمین است.

اگر بخواهیم به عدالت دربارهء نادرمردی چون استاد دکتر زرین‏کوب سخن به میان‏ آوریم،باید بگوئیم که ایشان در سه زمینه به هم پیوسته-ادب ایران و تاریخ ایران و سیر عقاید و دبستانهای باطنی در ایران-مهمترین آثار خود را خلق کرده است.این آثار که نثر ویژه آنها،وجه ممیزه‏شان از دیگر آثار است،تصویر و مفهومی را که هم‏اینک ما از ایران‏ زمین داریم و در نتیجه مفهوم کلیدی«سنت»و«هویت»ایرانی است شکل بخشیده است.

در سنت کهن ایران نیز اتفاقا همه‏جا ارتباط ما بین ادب و تاریخ کاملا متمایز از یکدیگر نیست.از جمله شاهنامه که هم تاریخ است و هم ادب و یا تاریخ بیهقی که‏ سرشار از ظرائف و توصیفات متعالی ادبی است و...شاید در پرتو تربیت در متن همین‏ آثار بود که ادبای نام‏آور و واضعان مفهوم نوین فرهنگ ایرانی-از جمله قزوینی، تقی‏زاده،فروغی،عباس اقبال،نفیسی،بهار و...جملگی در دو زمینهء ادب و تاریخ‏ برجسته شدند و همچنان پیوستگی این دو معنا را در بستر هویت فرهنگی ایران‏زمین‏ حفظ کردند.

استاد زنده‏یاد زرین‏کوب اما در این میانه جایگاهی ویژه و منحصربفرد داشته است. او اولا بسیار پرکار بود و در معنای دقیق و گسترش‏یافته کلام«مؤلف و مؤسس»بود.دوم‏ اینکه ارتباط او با نسل بزرگی از مخاطبانش-حداقل از دههء چهل تا ماههای پایانی عمر- زیباترین ارتباط کلامی بوده و نثر و کیفیت تدوین آثار وی به مکتبی خاص در مفهوم‏نگاری مقولات ادبی،تاریخی و عرفانی ایران بدل شده است.سومین ویژگی آثار و شخصیت دکتر زرین‏کوب را می‏باید در جامعیت وی سراغ کرد،چه آنکه او از نگاه‏ امروز به گذشته نگریست و از نگاه سنت در پدیده‏های امروزین نظر کرد،غرب را به خوبی‏ و بر مبنای چند دهه مطالعه و تدبر در بنیادهای فکری غربیان شناخته و آنگاه تلفیقی نیک‏ از روشها و معرفت مغرب‏زمین و مظروف فرهنگ و ادب ایران ارائه کرده است.

بنده بنا داشتم در اینجا بحثی تحلیلی دربارهء بخشی از آثار او-یا حداقلی یک‏ تقسیم‏بندی از کلیه آثار ایشان ارائه کنم تا بدانیم که استاد زرین‏کوب چگونه به کوهی از فرهنگ تکیه زده بود و همچون اشراف‏زاده‏ای در عالم متعالی واژه و معنا و هنر به‏ زندگی پربارش تداوم می‏بخشید.اما همین بحث کلی نیازمند مقاله‏ای جامع و بلکه مقالاتی‏ مفصل و باریک‏بینانه بود.پس دامن کلام درکشیده،عجالتا فقط به ذکر این نکته می‏پردازم‏ که تعداد پرشمار آثار و مقاله‏ها و سخنرانی‏ها و درسهای استاد،چهار زمینهء عمدهء فرهنگ‏ ایرانی را پوشش داده است.اول:تاریخ پرفرازونشیب ایران،که از«دو قرن سکوت»آغاز و به ایضاحات عالی ایشان به نام«تاریخ ایران،پیش و پس از اسلام»،نمونه‏ای از موفقترین آثار تئوریک و توصیفی دربارهء علم تاریخ و در پیرامون محتوای ایرانی تاریخ است.

زمینهء دیگر تصوف و عرفان است.در اینجا نیز نه فقط با نثر و کیفیت تدوینی منحصر بفرد،بلکه با دیدگاهی نو و نگاهی تحلیلی-انتقادی آشنا می‏شویم.بهترین نمایندهء این‏ آثار-هم به لحاظ ساختاری،هم تئوریک،هم نثر عالی و هم محتوای منحصربفرد در ایران تالی ندارد.«ارزش میراث صوفیه»،«جستجو در تصوف»و«دنباله جستجو»اینک‏ به کتابهایی کلاسیک در موضوع خود بدل شده است.پس از آن حجم کثیر تک‏نگاریهای‏ مختلف همچون«حلاج»«عطار»،«مولانا»،«حافظ»و...نشانگر پشتکار و وسعت دامنهء تلاش استاد زرین‏کوب است.

سرانجام آخرین مرحله،ادبیات فارسی است که دکتر زرین‏کوب توانست درک ایستا و ناپیراستهء چند نسل قبل را به تدریج و در پرتو نهضت نوین ادبی ایران دگرگون سازد.

در طول این سالهای طولانی،جامعهء ایران به آفات سیاسی و ایدئولوژیک بسیاری‏ دچار شد،اما زرین‏کوب جز صراط مستقیم فرهنگ و ادب تاریخ ایران راهی برنگزید و شصت سال پی‏درپی در آفاق این حقیقت متعالی-ادب و فرهنگ ایران-زیست. زرین‏کوب فهم ظریف و دید ژرفی را نسبت به ادبیات کلاسیک ایران عرضه کرد و این‏ نگاه و روایت جدید،یعنی نقد و تحلیل و تصحیح آثار ادبی-اعم از منظوم و منثور-اتفاقا همان نوشداروی عزیزی بود که برای ماندن در جهانی که به سوی«جهانی شدن»و هضم فرهنگهای مقاوم پیش می‏رود،نیازمندش هستیم.بحران هویت که گریبان همهء ملل‏ پیرامونی را گرفته،و در عصر ما با تلاش مردانی سترگ همچون زرین‏کوب،بحران‏ هویت نتوانسته است در حقیقت و مبانی فرهنگ و هویت تمدنی ایرانیان خللی وارد آورد.چنین حقی که زرین‏کوب بر عهدهء همهء ما دارد و رمزهای مصونیت ذهن ایرانی را، از بیگانگی و نابودی و غارت را به تک‏تک شاگردان و خوانندگانش آموخته است،و این‏ مهم بزرگترین میراث این استاد ارجمند و بزرگترین و شیواترین داستان زندگی او بود.یاد و خاطره‏اش در آسمان فرهنگ ایران هماره درخشان بود.